

من علی ام

شرحی بر مناظره‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام و ابی قحافه

حسین اسکندری



سرشناسه	: اسکندری، حسین، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: من علی‌ام: شرحی بر مناظره‌ی امیرالمؤمنین با ابوبکر بن ابی‌حقیقه/ حسین اسکندری؛ ویراستار محمد پروری؛ تصحیح و ویرایش: رحیم بنکدارتهرانی، مهدی دهقان؛ [برای] مدرسه علمیه دارالسلام.
مشخصات نشر	: تهران: مدرسه علمیه دارالسلام، مرکز نشر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۳ ص.
شابک	: ۳۰۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۵۴۰۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: چاپ قبلی: حسین اسکندری، ۱۳۷۹.
عنوان دیگر	: کتابنامه: ص. [۲۴۱] - ۲۴۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: شرحی بر مناظره‌ی امیرالمؤمنین با ابوبکر بن ابی‌حقیقه.
موضوع	: علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۲ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- اثبات خلافت
موضوع	: Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۶۱-۶۰۰ *Proof of caliphate
موضوع	: علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- مناظره‌ها
موضوع	: Ali ibn Abi-talib, Imam I, ۶۶۱-۶۰۰ *Debates
موضوع	: ابوبکر، عبدالله بن ابی‌حقیقه، ۵۱ قبل از هجرت-۱۳ ق. -- مناظره‌ها
موضوع	: Abubakr, Abdollah ibn Abi Ghohafih -- *Debates
شناسه افزوده	: بنکدار تهران، رحیم، مصحح
شناسه افزوده	: دهقان، مهدی، ۱۳۵۲ -، مصحح
شناسه افزوده	: مدرسه علمیه دارالسلام، مرکز نشر
شناسه افزوده	: مدرسه علمیه دارالسلام
رده بندی کنگره	: الف ۸۵B۲۳۳۳/۴ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۲۵۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۳۰۰۹۵



۱۱۸

من علی‌ام

نویسنده: حسین اسکندری

ویراستار: محمد پروری

طراحی و صفحه‌آرایی: محمد یعقوبیان

طراح جلد: سید حسین میرکاظمی

تصحیح و ویرایش: استاد رحیم بنکدارتهرانی - حجت الاسلام والمسلمین مهدی دهقان

ناشر: مرکز نشر مدرسه علمیه دارالسلام تهران

نوبت چاپ: اول - مرداد ۱۳۹۵

(این کتاب از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۳ توسط مولف محترم در پنج نوبت، به تعداد ۱۵۰۰۰ جلد چاپ شده است)

تیراژ: ۱۸۸۸ جلد

چاپ: مهراندیشان عترت

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

تلفن‌های پخش: ۷۷۷-۱۸۱۸ - ۷۷۷-۸۱۸۱ - ۹۱۰۹۱۵۲۱۸۴

خرید اینترنتی: www.darussalam.ir

فهرست

عنوان	صفحه
فهرست	۹
پیش گفتار	۲۱
مقدمه	۲۹
مطلب اول : ما و علی علیه السلام	۲۹
مطلب دوم : علی علیه السلام یا پیامبر صلی الله علیه و آله	۳۴
در دادگاه علی علیه السلام	۳۷
متن کامل حدیث مناشده	۳۷
شرح حدیث مناشده	۴۹
فصل اول از دریا به دریا	۵۱
النصیحة	۵۲
الوفاء	۵۲

۵۲	رفع المداهنه
۵۳	المحابة
۵۳	حسن السيرة
۵۴	اظهار العدل
۵۴	العلم بالكتاب و السنة
۵۶	فصل خطاب
۵۶	زهد
۵۷	انصاف المظلوم
۵۹	بر لبم آوای یا علی است
۶۰	چند پرسش برای یادآوری
۶۰	پیشنهادهای برای پژوهش
۶۱	فصل دوم منارایمان
۶۳	قرآن و سبقت گرفتن امیرالمؤمنین علیه السلام در ایمان به رسول صلی الله علیه و آله
۶۵	هذا الصديق الأكبر علی بن ابی طالب
۶۶	یک شبهه و پاسخ آن
۶۸	جهان راز علی می جوید از عشق
۶۹	چند پرسش برای یادآوری
۶۹	پیشنهادهای برای پژوهش
۷۱	فصل سوم امین وحی

۷۲	 خلیفه با شنیدن این فضیلت تسلیم می‌شود
۷۴	 غلام علی
۷۵	 چند پرسش برای یادآوری
۷۵	 پیشنهادی برای پژوهش
۷۷	 فصل چهارم خواگاه نبی ﷺ
۷۸	 اصل ماجرا
۸۰	 درکوجه‌های کوه
۸۱	 چند پرسش برای یادآوری
۸۱	 پیشنهادی برای پژوهش
۸۳	 فصل پنجم همای ولایت
۸۴	 ولایت در قرآن
۸۶	 يك نکته روایتی
۸۷	 سحاب رحمت
۸۸	 چند پرسش برای یادآوری
۸۸	 پیشنهادی برای پژوهش
۸۹	 فصل ششم روز خدا
۹۰	 حجة الوداع
۹۲	 غدیر خم
۹۳	 عمامه‌ای چون عمامه‌ی فرشتگان
۹۴	 آنچه بعد از اعلان ولایت علی علیه السلام گذشت

- ۹۵ آنچه جبرئیل علیه السلام گفت
- ۹۶ آنچه ابلیس گفت
- ۹۸ علی علیه السلام از غدیر می گوید
- ۹۹ نکته
- ۱۰۱ خاطره غدیر ...
- ۱۰۴ چند پرسش برای یادآوری
- ۱۰۴ پیشنهادی برای پژوهش
- ۱۰۵ فصل هفتم توویرین
- ۱۰۶ هارون که بود؟
- ۱۰۸ وجهی دیگر از منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام و هارون
- ۱۰۹ متن کامل حدیث منزلت
- ۱۱۱ نکته
- ۱۱۲ مدح امیر
- ۱۱۳ چند پرسش برای یادآوری
- ۱۱۳ پیشنهادی برای پژوهش
- ۱۱۵ فصل هشتم کمال فضیلت
- ۱۱۶ سخنی مختصر درباره ی مباحله
- ۱۱۶ ماجرای مباحله ی پیامبر صلی الله علیه و آله با نصاری نجران
- ۱۱۷ چگونگی طرح پیشنهاد مباحله از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله

۱۱۸.....	نمایندگان نجران در مدینه
۱۲۰.....	همراهان پیامبر ﷺ در مباحله
۱۲۱.....	مسیحیان نجران تسلیم می شوند
۱۲۲.....	توضیح چند نکته‌ی در آیه مباحله
۱۲۵.....	برترین سند بالاترین مقام
۱۲۷.....	در مدح علی علیه السلام
۱۲۸.....	چند پرسش برای یادآوری
۱۲۸.....	پیشنهادی برای پژوهش
۱۲۹.....	فصل نهم پرچم هدایت
۱۳۰.....	آیه تطهیر
۱۳۰.....	توضیح واژه‌های آیه
۱۳۲.....	شان نزول آیه‌ی تطهیر
۱۳۵.....	جامه وصله دار
۱۳۶.....	چند پرسش برای یادآوری
۱۳۶.....	پیشنهادی برای پژوهش
۱۳۷.....	فصل دهم حدیث عشق
۱۳۹.....	مُخَمَّس حدیث کسا بر اساس روایت حضرت زهرا علیها السلام
۱۴۵.....	چند پرسش برای یادآوری
۱۴۵.....	پیشنهادی برای پژوهش
۱۴۷.....	فصل یازدهم خروش دریا

- نکته ۱۵۰
- شایسته هَلْ اَتی ۱۵۱
- چند پرسش برای یادآوری ۱۵۲
- پیشنهادهای برای پژوهش ۱۵۲
- فصل دوازدهم فخر جوان مردان ۱۵۳
- اندکی درباره غزوه‌ی احد ۱۵۴
- نخستین نبد ۱۵۵
- سردار اتقیا ۱۵۹
- چند پرسش برای یادآوری ۱۶۰
- پیشنهادهای برای پژوهش ۱۶۰
- فصل سیزدهم نازم آن ماهی که خورشید سحر از او ۱۶۱
- ردّ شمسِی دیگر برای شمس وجود ۱۶۲
- دو نکته ۱۶۴
- درستایش علی ۱۶۵
- چند پرسش برای یادآوری ۱۶۸
- پیشنهادهای برای پژوهش ۱۶۸
- فصل چهاردهم یَدُ الله ۱۶۹
- مختصری درباره‌ی خیبر ۱۷۰
- چگونگی فتح خیبر ۱۷۱

۱۷۳		کندن در خیر
۱۷۴		نکته
۱۷۵		سرمایه‌ی ایمان
۱۷۶		چند پرسش برای یادآوری
۱۷۶		پیشنهادی برای پژوهش
۱۷۷		فصل پانزدهم: سدا لله
۱۷۸		اندکی درباره‌ی جن جن
۱۷۹		روبارویی علی علیه السلام با عروین بدود
۱۸۲		نکته
۱۸۴		آیت حُسنُ القضا
۱۸۷		پیشنهادی برای پژوهش
۱۸۹		فصل شانزدهم: امامُ الانسِ والجنّة
۱۹۰		اندکی درباره‌ی جنّ
۱۹۰		قرآن و مسئله‌ی جنّ
۱۹۴		علی علیه السلام رسول پیامبر ﷺ به سوی جن
۱۹۵		رئیس جنیان، خدمتگذار امام علی علیه السلام
۱۹۶		نکته
۱۹۸		سکوت غربت
۱۹۹		چند پرسش برای یادآوری
۱۹۹		پیشنهادی برای پژوهش

- ۲۰۱ فصل هفدهم معمای تاریخ
- ۲۰۲ «فاطمه» بنت اسد
- ۲۰۳ ابوطالب
- ۲۰۶ أجداد حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام
- ۲۰۷ حَدِيثُ النُّور
- ۲۰۸ علی به
- ۲۰۹ چند پرسش برای یادآوری
- ۲۰۹ پیشنهادی برای پژوهش
- ۲۱۱ فصل هجدهم دودریا
- ۲۱۴ شب وصالِ دو دریا
- ۲۱۶ کفو زهرا علیها السلام
- ۲۱۷ چند پرسش برای یادآوری
- ۲۱۷ پیشنهادی برای پژوهش
- ۲۱۹ فصل نوزدهم لؤلؤ و مرجان
- ۲۲۰ دو سالار اهل بهشت
- ۲۲۱ دوستی حسنین علیهما السلام
- ۲۲۲ أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا
- ۲۲۳ دنیا بدون مهر علی علیه السلام محوری نداشت
- ۲۲۵ چند پرسش برای یادآوری

۲۲۵	پیشنهادی برای پژوهش
۲۲۷	فصل بیستم برادری با دובال
۲۲۸	جعفر کیست؟
۲۲۹	جعفر در حبشه
۲۳۰	جنگ مؤتا پروا جعفر
۲۳۱	گزارش رسال الله ﷺ
۲۳۳	وصف آفتاب
۲۳۴	چند پرسش برای یادآوری
۲۳۴	پیشنهادی برای پژوهش
۲۳۵	فصل بیست و یکم مهر مرتضی
۲۳۹	علی من لسان علی
۲۴۱	چند پرسش برای یادآوری
۲۴۱	پیشنهادی برای پژوهش
۲۴۳	فصل بیست و دوم بهتراز همه
۲۴۶	شهر علم
۲۴۷	چند پرسش برای یادآوری
۲۴۷	پیشنهادی برای پژوهش
۲۴۹	فصل بیست و سوم قَائِدُ الْبَرْزَةِ وَقَاتِلُ الْكَفَرَةِ
۲۵۰	ناکثان و قاسطان و مارقان چه کسانی بودند
۲۵۱	روایتی درباره‌ی شرکت‌کنندگان در جنگ جمل

۲۵۲	 معاویه از نظر پیامبر اسلام و علی
۲۵۳	 خوارج در روایات
۲۵۶	 محراب خونین ...
۲۵۷	 چند پرسش برای یادآوری
۲۵۷	 پیشنهادی برای پژوهش
۲۵۹	 فصل بیست و چهارم عدالت مظلوم
۲۶۲	 نکته
۲۶۴	 شب و علی
۲۶۶	 چند پرسش برای یادآوری
۲۶۶	 پیشنهادی برای پژوهش
۲۶۷	 فصل بیست و پنجم عین الله
۲۶۹	 عدل مُجَسِّم
۲۷۰	 نمونه‌ای از قضاوت علی علیه السلام
۲۷۱	 مراجعه خلفای اول و دوم و سوم به امیرالمؤمنین علیه السلام
۲۷۳	 چراغ بیت المال
۲۷۴	 چند پرسش برای یادآوری
۲۷۴	 پیشنهادی برای پژوهش
۲۷۵	 فصل بیست و ششم ولی اعظم
۲۷۸	 پاسخ به يك سؤال

۲۷۹	جمال یزدان
۲۸۲	چند پرسش برای یادآوری
۲۸۲	پیشنهادی برای پژوهش
۲۸۳	فصل بیست و هفتم جان محمد علیه السلام
۲۸۶	ها علی بشایف بشر
۲۸۸	چند پرسش برای یادآوری
۲۸۸	پیشنهادی برای پژوهش
۲۸۹	فصل بیست و هشتم طاووس عیسی
۲۹۲	فروغ عالم
۲۹۴	چند پرسش برای یادآوری
۲۹۴	پیشنهادی برای پژوهش
۲۹۵	فصل بیست و نهم نگین کعبه
۲۹۶	بت شکن مکه
۲۹۷	علی علیه السلام از گذشته خویش می‌گوید
۲۹۹	جان دعا
۳۰۰	چند پرسش برای یادآوری
۳۰۰	پیشنهادی برای پژوهش
۳۰۱	فصل سی ام امام بهشتیان
۳۰۷	اقیانوس
۳۰۹	چند پرسش برای یادآوری

۳۰۹.....	پیشنهادی برای پژوهش
۳۱۱.....	فصل سی و یکم درها، همه بسته
۳۱۴.....	خورشید شرع
۳۱۵.....	چند پرسش برای یادآوری
۳۱۵.....	پیشنهادی برای پژوهش
۳۱۷.....	فصل سی و دوم شور عشق
۳۱۹.....	از زبان عشق
۳۲۰.....	چراغ عشق
۳۲۲.....	چند پرسش برای یادآوری
۳۲۲.....	پیشنهادی برای پژوهش
۳۲۳.....	فصل سی و سوم صدیق اکبر
۳۲۶.....	جام الست
۳۲۷.....	چند پرسش برای یادآوری
۳۲۷.....	پیشنهادی برای پژوهش
۳۲۹.....	پیوست
۳۲۹.....	متن حدیث
۳۳۰.....	پایانیه
۳۳۰.....	کتابنامه

پیش گفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ
الظَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ سَيِّدَا عَلِيٍّ وَابْنِ أَبِي تَالِبَةٍ وَكَلِيمِ الثُّبُوتِ وَالْمَخْصُوصِ بِالْأُخُوَّةِ يَعْصُوهُ الدِّينُ وَالْإِيمَانُ وَ
كَلِمَةُ الرَّحْمَنِ وَمِيزَانُ الْأَعْمَالِ وَمُقَلِّبُ الْأَحْوَالِ وَسَيِّفُ ذِي الْجَلَالِ وَسَاقِي السَّلْسَبِيلِ الرَّزَّالِ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ
وَأَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ دَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ وَخَيْرَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدَ الْبَشَرِيَّاتِ وَالصَّفْوَةَ مِنْ سُلَالَةِ النَّبِيِّينَ وَبَابَ
حِكْمَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ خَازِنُ وَحْيِهِ وَعَيْبَةُ عِلْمِهِ وَالنَّاصِحُ لِأُمَمِ النَّبِيِّ وَالنَّاسِ لِرَسُولِهِ وَالْمُؤَسَّى لَهُ بِنَفْسِهِ وَ
النَّاطِقُ بِحُجَّتِهِ وَالدَّالُّ إِلَى شَرِيعَتِهِ وَالْمَاضِي عَلَى سُنَّتِهِ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَرَوَّادُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَالْحَاكِمُ
يَوْمَ الدِّينِ، شَجَرَةُ التَّقْوَى وَسَامِعُ السِّرِّ وَالتَّجَوُّى حُجَّةُ اللَّهِ الْبَالِغَةِ وَنِعْمَتُهُ الْبَاقِيَةُ وَنِعْمَتُهُ الدَّامِغَةُ وَ
الْبَرْهَانُ الْمُنِيرُ، الصِّرَاطُ الْوَاضِحُ وَالتَّجَمُّعُ اللَّائِحُ وَالْإِمَامُ النَّاصِحُ وَالرَّزَادُ الْقَادِحُ الْعَظِيمُ وَالصَّدِيقُ
الرَّشِيدُ وَالِدُ الْأَيْمَةِ الْأُمْنَاءِ التُّجَبَاءِ حَائِزُ دَرَجَةِ الصَّبْرِ وَفَائِزُ بَعْظِيمِ الْأَجْرِ حُجَّةُ الْجَبَّارِ وَنُورُ الْأَنْوَارِ وَسَلِيلُ
الْأَظْهَارِ وَغَنَاصُ الْأَخْبَارِ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ وَجَنْبُهُ الْمَكِينُ الْحَاكِمُ بِأَمْرِهِ وَالْمُقِيمُ بِدِينِهِ وَالنَّاطِقُ
بِحُكْمَتِهِ وَالْعَامِلُ بِكِتَابِهِ، أَخُ الرُّسُولِ وَزَوْجُ الْبُتُولِ وَسَيِّفُ اللَّهِ الْمَسْلُوبِ، صَاحِبُ الدَّلَالَةِ وَالْإِيَّاتِ
الْبَاهِرَاتِ وَالْمُعْجَزَاتِ الْقَاهِرَاتِ وَالْمُنْجَى مِنَ الْهَلَكَاتِ صَاحِبُ السَّوَابِقِ وَالْمَنَاقِبِ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي
مُحْكَمِ الْآيَاتِ فَقَالَ تَعَالَى «وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلٌّ حَكِيمٌ» آيَةُ اللَّهِ الْعُظْمَى وَأَمِينَ اللَّهِ الْأَوْفَى وَعُزُّوْهُ

الْوَفَى وَيَدُهُ الْعُلْيَا وَجَنِبُهُ الْأَعْلَى وَكَلِمَتُهُ الْحُسْنَى وَحُجَّتُهُ عَلَى الْوَرَى وَصَدِيقُهُ الْأَكْبَرُ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَرُكْنُ الْأَوْلِيَاءِ وَعِمَادُ الْأَضْيَاءِ، أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَبَّلِينَ وَقُدُوةُ الصَّالِحِينَ وَإِمَامُ الْمُخْلِصِينَ، الْمَغْصُومُ مِنَ الْخَلَلِ وَالْمَهْدَبُ مِنَ الدَّلَالِ، الْمُظَهَّرُ مِنَ الْعَنِيَةِ وَالْمُنَزَّهُ مِنَ الرَّيْبِ أَوَّلُ الْعَابِدِينَ وَأَزْهَدُ الرَّاهِدِينَ وَزَيْنُ الْمُوَحِّدِينَ وَغِيَاثُ الْمَكْرُوبِينَ، خَالِصُ الْأَخْلَاءِ وَالْمَخْصُوصُ بِسَيِّدَةِ النِّسَاءِ الْمَوْلُودُ فِي الْكَعْبَةِ الْمَرْجُوحُ فِي السَّمَاءِ أَسَدُ اللَّهِ فِي الْوَعَى الَّذِي شَرِفتْ بِهِ مَكَّةَ وَمِنَى، صَاحِبُ الْخَوْصِ وَحَامِلُ الْبَلَاءِ سَلَامُ الْعِبَادِ الْبَائِثُ عَلَى فِرَاشِ النَّبِيِّ وَمُقَدِّمُهُ بِتَنْفِيسِهِ مِنَ الْأَعْدَاءِ قَالِعُ بَابِ خَيْرٍ وَالدَّالِحِي بِهِ فِي الْقَضَاءِ، الْإِمَامُ الْعَلِيِّ، قَامَ الْمِخْرَابِ سَيِّدُ السَّادَاتِ شَرِيكَ الْقُرْآنِ أَمِيرُ الْجُيُوشِ صَاحِبُ الْمُعْجَزَاتِ وَالْغَزَوَاتِ نُورُ اللَّهِ فِي الْعِلْمِ الْمَخْصُوصِ بِذِي الْفِقَارِ سَاقِ أَوْلِيَائِهِ مِنْ حَوْضِ النَّبِيِّ الْمُخْتَارِ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالتَّارِ الْمَنْعُوتِ فِي التَّوْبَةِ وَالْإِنْجِيلِ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ. عَبْدُ اللَّهِ آمِينَ اللَّهُ حُجَّةُ اللَّهِ خَلِيقَةُ اللَّهِ وَلِيُّ اللَّهِ صِرَاطُ اللَّهِ نُورُ اللَّهِ دِينَ اللَّهِ سَفِيرُ اللَّهِ رُؤْسُ اللَّهِ، رُؤَالَهُ أَسَدُ اللَّهِ عَيْنُ اللَّهِ يَدُ اللَّهِ سَيْفُ اللَّهِ وَجِي رُسُولِ اللَّهِ وَالْمُسْتَشْفَعُ بِهِ إِلَى اللَّهِ الَّذِي أَكَمَلَ اللَّهُ الدِّينَ بِرَبِّهِ يَوْمَ الْقَدِيرِ، الْكَاطِمُ لِلْغَيْظِ وَالْعَاقِي عَنِ النَّاسِ الصَّابِرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ الْقَاسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَالْعَادِلُ فِي الرَّءَاءِ يَوْمَ يَخُودُ اللَّهُ مِنْ جَمِيعِ الْبَرِّيَّةِ، الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ وَحُكْمِ التَّأْوِيلِ وَنَصِ الرُّسُولِ الْمَخْصُوصُ لِلْمَوَاقِفِ الْمَشْهُورَةِ وَالْمَقَامَاتِ الْمَشْهُورَةِ وَالْأَيَّامِ الْمَذْكُورَةِ يَوْمَ بَدْرٍ وَيَوْمَ الْأَخْزَابِ وَيَوْمَ الْخَنْدَقِ وَيَوْمَ أُحُدٍ، صَاحِبُ سُوَرِ الْعَادِيَّاتِ الْمَكْتُوبِ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ عَلَى الشُّرَاقَاتِ مَظْهَرُ الْعَجَائِبِ وَالْآيَاتِ مَوْلَانَا وَسَيِّدُنَا الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ عَلَى أَوْلَادِهِ الْمُتَتَجِبِينَ وَالْأَكِيْمَةِ الرَّاشِدِينَ الَّذِينَ آمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

در سالی که به تدبیر حکیمانه‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولی امر مسلمین جهان، حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای، مدظله العالی، سال امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام نام گرفته است؛^۱ حقیر بر آن شد تا با تحریر این مختصر، سهمی هر چند کوچک، در آشنایی بیش تر عاشقان و شیفتگان مقام ولایت با امام عزیزشان داشته باشد. امید که از خرمن فضایل آن مقتدای عالم و آدم برای راه پرمخاطره‌ی زندگی خویش بهره بگیریم و به آن الگوی کامل کمال تمسک جویم. اکنون با بیان چند نکته دفتر سخن را می‌گشاییم:

(۱) شناخت امیرالمؤمنین علیه السلام، به عنوان امام و پیشوای مؤمنان و متقیان، راه دست‌یابی به هدف آفرینش و حرکت در مسیر کمالی است که خدای سبحان برای انسان اختیار کرده است؛ زیرا اگر ما می‌گوییم که به اسناد «وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُوْلُهُ»^۲ برای عبادت آفریده شده ایم، که چنین است، و اگر همه نسبت به این انسان و انسان برای عبودیت و بندگی خدا آمده است؛ «خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ لِأَخْلَاقِكُمْ وَ خَلَقْتُكُمْ لِأَخْلَاقِي»^۳ بدین عبادت بی‌شناخت امام پذیرفته نیست. (مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً الْجَاهِلِيَّةِ)^۴ بنابراین که لازمه پیروی و تبعیت از اوست و بدون آن نمی‌توان مأموم آن امام بود؛ و فرد بی‌امام و رهبر نیز در گمراهی و تاریکی و خسران خواهد بود. این که فرمود انسان برای عبادت خلق شده به این دلیل است که عبادت جوهره و اساس دین است؛ و این که گفتیم عبادت بی‌شناخت امام پذیرفته نیست به این دلیل است که امام نماد و مظهر و مبین و سخن گو و بلکه صاحب دین است. حضرت امام باقر علیه السلام در حدیثی درباره لزوم شناخت امام به محمد بن مسلم می‌فرماید: تلاش و زحمت آن که با عبادتی در برابر خداوند خسرو می‌آورد و تسلیم او می‌شود، ولی امام و پیشوایی که خدا او را معین کرده است برای خود نراند، در راه مردود است؛ و او سرگردان خواهد بود؛ و خداوند به سزای اعمالش (عبودیت بدون امام) دشمن او است. مثل او چون گوسفندی است که از چوپان و گله‌ی خود دور افتد و تمام روز سرگردان در رفت و آمد باشد و چون تاریکی شب او را دربرمی‌گیرد، گله‌ای با شبان را ببیند پس به سوی آن رود و فریفته‌ی آن‌ها شود و شب

(۱) «سال جدیدی را در پیش رو داریم؛ و همان‌طوری که می‌دانید امسال هم در آغاز و هم در پایان مزین به عید مبارک غدیر است. سال ۱۳۷۹ عید غدیر دارد. خیلی مناسب است که ما این سال را به این مناسبت سال امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام بدانیم و بنامیم و خودمان را به آن بزرگوار نزدیک کنیم.» بخشی از پیام مقام معظم رهبری به مناسبت نوروز ۱۳۷۹.

(۲) ذاریات (۵۱): ۵۶.

(۳) (حدیث قدسی) - فیض کاشانی، ملامحسن، علم الیقین، باب ۵ فصل سوم ص ۳۸۱ انتشارات (قم، بیدار، قم ۱۳۵۸) هـ.ج ۱، ص ۳۸۱.

(۴) کافی ج ۱ ص ۳۷۶ (هرکس بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد مرده است به مردن جاهلیت)

را با آن گله بگذراند پس زمانی که صبح شود و چوپان گله را حرکت دهد، گوسفند گمشده [به سبب نداشتن شناخت و معرفت درباره‌ی چوپان و گله او] چوپان و گله را رد کند و حاضر به همراهی با آنان نشود پس بار دیگر سرگردان در جست و جوی شبان و گله‌ی خویش باشد پس در آن حال، شبانی دیگر را با گله‌اش ببیند به سویشان برود و دل‌باخته‌ی آنان شود پس شبان فریاد زند که بیا به چوپان و گله‌ی خود ملحق شو! تو پریشان و سرگردانی. و باز او به این علت که چوپان و گله‌ی خویش را نمی‌شناسد، سرگردان بماند در حالی که چوپانی که او را رهبری کند و یا او را به خانه‌اش برگرداند نیابد. و در این حال گرگ، فرصت را غنیمت شمرد او را بخورد. آن‌گاه امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود علی محمد بن مسلم، به خدا قسم، کسی که از امت اسلام، امام و پیشوای الهی آشکار و عادل را به امامت خویش برگزیند و ولایت او را نپذیرد این چنین [مانند گوسفند شبان گم‌کرده] گم گشته و گمراه است؛ و اگر با این حال بمیرد، با کفر و نفاق مرده است؛ و بدان ای محمد بن مسلم، پیشوایان معصیت و ستم‌کاری و پیر و پادشاهان، از دین خدا برکنارند و گمراه‌اند و مردمان را نیز گمراه می‌کنند و از اعمالی که انجام می‌دهند، چون خاکستری که تندبادی در روزی طوفانی به آن بوزد، بهره نبرند. این است گمراهی دور.

(۲) شناخت امام نه تنها شرط قبولی است، که شرط اسلام است؛ و بی‌آن مسلمانی پذیرفته نیست؛ و انسان بی‌امام از ولایت خدا بیرون است، که **اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاثُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ**.^{۲۴}

از منظری دیگر نیز می‌توان گفت: شناخت درست امیرالمؤمنین، امام علی علیه السلام، شناخت همه

(۱) «عن محمد بن مسلم قال: سمعت ابا جعفر علیه السلام يقول: كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِعِبَادَةٍ يَخْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا يَدِينُ إِلَّا بِاللَّهِ فَسَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ عَذَابًا مُّتَخَيَّرًا وَ اللَّهُ شَانِيَةٌ لِأَعْمَالِهِ وَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ شَاةٍ ضَلَّتْ عَنْ رَاعِيهَا وَ قَطِيعِهَا، فَهَجَمَتْ ذَاهِبَةً وَ جَائِعَةً يَبْهَمُهَا، فَلَمَّا جَاءَهَا اللَّيْلُ بَقِيعَتْ بِقَطِيعِ غَنَمٍ مَعَ رَاعِيهَا فَحَثَّتْ إِلَيْهَا وَ اغْتَرَّتْ بِهَا، فَبَاتَتْ مَعَهَا فِي مَرْبِضِهَا فَلَمَّا أَتَى سَاقَ الرَّاعِي قَطِيعُهُ أَتَكَرَّتْ رَاعِيهَا وَ قَطِيعُهَا فَهَجَمَتْ مُتَخَيَّرَةً تَطْلُبُ رَاعِيهَا وَ قَطِيعَهَا فَبَقِيعَتْ مَعَ رَاعِيهَا فَحَثَّتْ إِلَيْهَا وَ اغْتَرَّتْ بِهَا فَصَاحَ بِهَا الرَّاعِي: الْيَقِي بِرَاعِيكِ وَ قَطِيعُكِ فَإِنَّ تَائِهَةً مُّتَخَيَّرَةً عَنْ رَاعِيكِ وَ قَطِيعِكِ، فَهَجَمَتْ دُورَةً تَائِهَةً لَا رَاعِيَ لَهَا يُرْشِدُهَا إِلَى مَرْعَاهَا أَوْ يَرْكُهَا، فَبَيْنَاهِي كَذَلِكَ إِذَا اغْتَمَمَ الذُّنُوبُ ضِيْعَتَهَا، فَأَكَلَهَا، وَ كَذَلِكَ وَاللَّهِ يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَصْبَحَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ظَاهِرٍ عَادِلٍ، أَصْبَحَ ضَالًّا تَائِهًا، وَ إِنْ مَاتَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ مَاتَ مَيِّتَةً كُفْرٍ وَ نِفَاقٍ وَ اعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ آيَةَ الْجَوْرِ وَ اتِّبَاعِهِمْ لَمُعَرَّلُونَ عَنْ دِينِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَ اضْلُوا فَأَعْمَاهُمْ أَلَى يَفْعَلُونَهَا كَرَامًا اسْتَعَدَّتْ بِهِ الزَّبْحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ».

الكليني، الكافي، دارالكتب الاسلاميه، ۸، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۸۳.

(۲) خداوند ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از ظلمت‌ها به سوی نور بیرون می‌برد. کسانی که کافر شدند اولیای آنان طاغوت‌ها

هستند که آنان را از نور به سوی تاریکی‌ها بیرون می‌برند. - بقره (۲): ۲۵۷.

امامان است، چه این که همه آنان از يك نور واحدند^۱ و همگی برپادارنده فرمان خداوند و هدایتگر خلق به سوی اویند^۲ و آنان همگی راه راست و استوار خدا و گواهان در دنیا و شفاعت‌کنندگان در آخرت و همگی رحمت پیوسته حق‌اند.^۳

آری، علی شناس، امام شناس است. کسی که علی علیه السلام را می‌شناسد حسن و حسین و مهدی علیهم السلام را می‌شناسد. او ولایت الهی امام را پذیرفته و مأموم راستین امام عصر خویش است.

(۳) درباره شخصیت و فضایل امام علی علیه السلام، چه اکنون و چه در گذشته، عده‌ی زیادی از شخصیت‌های غیرشیعی و حتی غیرمسلمان کتاب‌ها نوشته‌اند و تحقیقات وسیع کرده‌اند؛ اما باید گفت که در تاریخ اسلام، جز در عصر معاویه، در هیچ زمانی مانند عصر ما با این شدت به شیعه حمله تبلیغی و فرهنگی نشده است؛ به طوری که در بیست سال گذشته پنج هزار عنوان کتاب ضد شیعه^۴ در دنیا تدوین و منتشر شده است. از این رو دفاع از مکتب حقه‌ی شیعه، که رمز حیات و نماد و مقتدای آن، بعد از شخصیت بی‌بدل رسول الله صلی الله علیه و آله، حضرت امام علی علیه السلام است، بر همگان لازم و فرض است.

(۴) با توجه به آنچه در بند قبل آمد، باید اضافه کرد که استدلال در مقابل مخالف جز به آنچه مورد قبول اوست صحیح نیست. لذا سعی نگارنده بر آن بوده که با حفظ اختصار، مطالب را به مدارك معتبر اهل سنت مستند کند - معتبر از این جهت که اولاً سند این روایات نزد آنان صحیح است، بلکه از طرق مختلف و متعدد نقل شده است که موجب وثوق به آن و اعتبار آن می‌شود؛ ثانیاً عادتاً می‌توان به صحت این‌گونه روایات، که از ایشان درباره مناقب اهل بیت علیهم السلام برتری و برترید آنان آمده است، قطع پیدا کرد، زیرا در بیان این‌گونه احادیث، راویان نه در پی جاه و مقام بوده‌اند و نه از خطرهای احتمالی که در بیان این‌گونه روایات، با توجه به جو زمانه، وجود داشته است، بخی‌خبر بوده‌اند در واقع خود و موقعیت خود را با نقل این‌گونه روایات به خطر انداخته‌اند؛ و مضاف بر این‌ها، روایات شیعه، سخن آنان را تأیید کرده است.

(۵) درباره‌ی شخصیت امام علی علیه السلام سخن بسیار است، اما انصافاً سخن گفتن دشوار است.

(۱) اَنْ اَرْوَاكُمْ وَ تَوَرَّكُم وَ طَيَّبْتَكُمْ وَاجِدَةً - امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره

(۲) امام باقر علیه السلام خطاب به حکم بن ابی نعیم: «يَا حَكَمُ كُلُّنَا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ كُلُّنَا نَهْدِي إِلَى اللَّهِ» الاصول من الكافي - ج ۱، ص ۵۳۶.

(۳) «اَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَ شَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ وَ الْخِزْمَةُ الْمُؤَصَّلَةُ» امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره.

(۴) اطلاعیه گروه معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار کننده همایش امام علی علیه السلام به تاریخ ۷۹/۳/۲۷.

صرف نظر از آنچه پیامبر ﷺ و ائمه هدی ﷺ درباره ایشان فرموده‌اند، شخصیت‌هایی چون ابن‌ابی‌الحدید^۱ در مدح و منقبت آن امام همام سخن‌های ماندگار گفته‌اند. او در مقدمه‌ی شرح بیست جلدی نهج‌البلاغه چنین نوشته است: «فضایل آن حضرت به مرتبه‌ای از بزرگی و عظمت و شهرت و انتشار رسیده که سخت است آن‌ها را بازگفتن...» آن‌گاه خطاب به حضرت می‌گوید: «توصیف فضایل تو مانند خبر دادن در روز از روشنائی روز و در شب از نور ماه است، که بر هیچ بیننده‌ای پوشیده نیست. من چه بگویم درباره مردی که دشمنانش به برتری او بر دیگران معترف‌اند و مخفی کردن مناقب او برای آنان ممکن نیست. حتی بنی‌امیه، که زمانی سلطان بلامنازع شرق و غرب عالم اسلام شدند، تلاش کردند تا نور او را خاموش کنند و عیوب و زشتی‌هایی را به او نسبت دهند و بر مناقب او را لایق نرینند. اما همه‌ی این تلاش‌ها جز به رفعت مقام و علو مکانت او منتهی نشد. او چون مُشکی است که هر چه هم آن را مخفی کنند بوی خوشش پراکنده می‌شود؛ و مانند روشنائی روز است که اگر یک چشم را از او ببندند چشم‌های بسیاری آن را خواهد دید.»^۲ او در ادامه می‌گوید: «وما اقول فی رجل تُغزی الیه من فنیة و تنتهی الیه کل فرقة و تتجاذبه کل طائفة فهو رئیس الفضایل و ینبوعها و ابو عذرها و سابق ضمیرها و جلّ حَلَبَتِها کُلُّ من بزغ فیها بعده فمَنه اخذ و له اقتفی و علی مثاله احتذی.»^۳ من چه بگویم درباره‌ی مردی که فضیلت‌ها در نزد او آرامش و تسکین می‌یابد؛ همه‌ی سجایای اخلاقی به او منتهی می‌شود. او منشأ همه‌ی فضایل رئیس آن هاست. همه‌ی خوبی‌ها در او نمایان است؛ و نهایت صفات والای انسانی را باید در او مشاهده کرد. هر کسی که در صفت نیکی مشهور باشد از او گرفته و به او اقتدا کرده است.

آری، درباره علی ﷺ ده‌ها و صدها عبارت مثل این گفته‌اند، اما به نیت و وصف روی خورشید از خورشید شنیدن و علی ﷺ را از زبان علی ﷺ شناختن و شنیدن؛ و در این کتاب، بنابراین است که علی ﷺ را از نگاه علی ﷺ و شخصیتش را از زبان خود او بشناسیم.

۶) در خلال مطالعه البرهان فی تفسیر القرآن^۴، در ذیل آیه ۱۳ سوره‌ی مجادله، به حدیث مناشده^۵

(۱) مؤلف شرح معروف نهج‌البلاغه که متوفی ۶۵۵ هـ ق است. او از بزرگان علمای اهل سنت و از مورخان آنان است که از ادب و لغویان و شعرا و حکما نیز محسوب می‌شود.

(۲) ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، (بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۶۵م)، ۲۰۰ ج، ۱، ص ۱۶-۱۷.

(۳) همان، ص ۱۷.

(۴) السید هاشم الحسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، (قم، بعثت، ۱۴۱۶ هـ ق).

(۵) مناشده این است که شخصی برای مطالبه حقت دیگری را به خداوند سوگند دهد و از او شهادت بگیرد.

برخوردم؛ و بعد آن را در خصال شیخ صدوق^۱ نیز یافتیم؛ و چون امام علی^{علیه السلام} در میان این همه فضیلتی که برای حضرتش ثابت است چند مورد آن را بیان کرده‌اند، به اهمیت این حدیث پی بردم و برای بسیار جالب نمود. لذا در پی دعوت مؤسسه فرهنگی صلحاء، به مناسبت میلاد حضرت امیر^{علیه السلام} در ۱۲ رجب ۱۴۲۰ هجری قمری، در جمع اولیای محترم دانش‌آموزان و معلمان ارجمند، ساعتی به شرح این حدیث پرداختم؛ و در پی پیشنهاد دوستان عزیز، خصوصا مدیریت محترم مؤسسه، برادر عزیز و معلم فرزانه جناب استاد حاج رحیم آقای بنکدار، مصمم شدم تا این حدیث را شرح کنم و آن را به زبانی ساده روان اما مستند و محکم، در اختیار جوانان و دانشجویان و طلاب محترم و دانش‌آموزان عزیز و همه علاقه‌مندان به مقام شامخ ولایت و امامت بگذارم.

(۷) نظر به این که، در این روایت شریف حضرت علی^{علیه السلام} در مقابل خلیفه اول در قالب اقرار و اعتراف گرفتن به مُحَاجَّه با او پرداخته شده است و سه بار او را با عبارت **أَنْشُدُكَ بِاللَّهِ** قسم داده است^۲، این کتاب با حفظ اختصار در ۳۳ فصل تدوین شده است. البته **حَدِيثُ الْمُنَاشَدَةِ**، با اندکی اختلاف در مضمون، در روایت دیگری در مدارک شیعہ و سنی آمده است؛ که ما آن را به علت شهرتش در پایان این کتاب به عنوان پیوست آورده‌ایم.

(۸) بی‌تردید امروز مهم‌ترین امر و اولویت اساسی برای جهان اسلام حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمانان در برابر دشمنان، برای رسیدن به آرمان مقدس برپایی اسلامی و پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم}، یعنی رسیدن به حکومت واحد جهانی اسلام و برقراری عدالت جهانی با محوریت قرآن کریم و تعالیم رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} و عترت طاهرین^{علیهم السلام} و دور کردن خطر دشمنان اسلام از امت و کشورهای اسلام است؛ و طرح این حدیث هم فقط برای بیان حق در پرتو واقعه‌ای تاریخی است، آن هم مستند به آیات قرآن و روایات متواتر و مقبول بیش‌تر مذاهب اسلامی و تاریخ مشهور اسلام، لذا نگارنده، با اعتقاد و التزام به امر مهم وحدت و تأکید بر وجود مشترکات فراوان میان مذاهب اسلامی، صرفا برای بیان حق و تقویت بنیان اعتقادی و تعمیق معرفت و ارادت همه‌ی مسلمانان و دوست‌داران امام علی^{علیه السلام} به آن حضرت این کتاب را تألیف کرده است.

(۹) چون نگارنده علاقه‌مند بود که این کتاب مورد توجه و استفاده جوانان به ویژه دانشجویان و

(۱) شیخ صدوق، خصال، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، (کتابچی، ۱۳۷۷)، ص ۲۲۵.

(۲) البته ظاهراً اصل مناشده‌ی حضرت پیش از این بوده (به دلیل عبارت «فلم یزل یعد علیه مناقبه التي جعل الله عزوجل له دونه ...») اما آنچه در این منابع روایی آمده همین تعداد بوده است.

طلاب و دانش‌آموزان گرامی، قرار گیرد و آموزشی باشد، در پایان هر فصل چند پرسش درباره‌ی مطالب آن فصل و پیشنهادی مشخص برای پژوهش درباره‌ی موضوع آن تدوین شده است. این امر علاوه بر این که آزمونی فردی برای خواننده است، کار را برای مسئولان فرهنگی در برگزار کردن آزمون و مسابقه بر اساس مطالب این کتاب آسان می‌کند.

(۱۰) همچنین با توجه به این که بیان شعری، علاوه بر زیبایی، در روح و جان خواننده تأثیر عمیق و ماندگار دارد؛ در پایان هر فصل، قطعه شعری از بوستان ادب فارسی به محضر دوستان و محبان امیرالمؤمنین، امام علم و ادب حضرت علی علیه السلام، تقدیم شده است.

(۱۱) در پایان از محضر استاد بزرگوار، محقق عالی مقام حضرت مستطاب حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ حمد علی جاودان دام عزه، که از ابتدای تدوین این کتاب شاگرد خود را یاری و در پایان نیز با دلی ستودنی بر محتوای مطالب نظارت کردند، سپاسگزاری و تشکر می‌کند و با اقرار به ضعف و کوتاهی و ناتوانی خویش، علاوه بر این که از درگاه الهی و ساحت مقدس حضرت مولی الموالی، امیرالمؤمنین علیه السلام، سبای قبوله و پذیرش این اثر کوچک را دارد، از برادران و خواهران ایمانی، خصوصاً صاحب نظران و اندیشمندان، با احترام و ادب درخواست می‌کند تا از ارشاد و اصلاح دریغ نفرمایند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلِّغْ إِيْمَانِي أَكْمَلَ الْإِيْمَانِ وَاجْعَلْ يَقِيْنِي أَفْضَلَ الْيَقِيْنِ وَأَنْتَ بَيِّنَتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَاتِ وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ!

آمین یارب العالمین

حسین اسکندری

رمضان المبارک ۱۴۲۱ هجری قمری - تهران

(۱) صحیفه سجاده، دعای بیستم در مکارم اخلاق. بار خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و ایمانم را به کامل‌ترین ایمان برسان و باورم را بهترین یقین قرار ده و نیت مرا به نیکوترین نیت‌ها و کردارم را به بهترین کردارها برسان.

مقدمه

در مقدمه به بیان دو مطلب می‌پردازیم

مطلب اول : ما و علی علیه السلام

طی سی و سه فصلی که خواهد آمد با بخش اعظم فضایل و امتیازات امام علی علیه السلام البته به شکل فشرده و خلاصه آن هم به اندازه ظرف وجودی و معرفتی خدیش آشنا می‌شویم اما برآستی طرح این فضایل علاوه بر شناخت و معرفتی که از آن امام همام به دست می‌آید آیه بهره دیگری هم دارد؟ آیا علی شناس در زندگی امروز خویش موفق تر از کسی است که علی را نمی‌شناسد؟ آیا اساساً خواندن و شنیدن فضایل و معرفت به امامان معصوم علیهم السلام نقش و تأثیری بر سعادت دنیایی و نیک بختی آخرت دارد؟ اگر پاسخ‌ها مثبت است چگونه این امر محقق می‌شود؟

باید گفت بله معرفت امام علی علیه السلام و سایر معصومان علیهم السلام سبب نجات انسان از گرفتاری‌های دنیایی و سعادت او در زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی‌اش می‌شود و اگر غیر از این بود این همه ثواب و فضیلت بر شناخت امامان خصوصاً امام علی علیه السلام و محبت آنان مترتب نمی‌شد در حدیث است که «هرکس فضایل علی علیه السلام را با قلم بنویسد دست او به آتش نمی‌سوزد هرکس فضایل آن حضرت را با زبان بگوید زبانش از آتش محفوظ است و هرکس فضایل علی علیه السلام را با چشم بخواند یا با گوش بشنود چشم و گوش او از عذاب و آتش دوزخ مصون می‌ماند و اگر برای نشر فضایل علی علیه السلام قدم

بردارد پاهایش در آتش نخواهد سوخت.^۱

آنچه مسلم است این است که شناخت فضایل راه را برای پیروی از آن بزرگواران هموار می‌کند و محبت وسیله‌ای برای هم شکل شدن با آن محبوب‌ها است. شخصیت‌های آنان را شخصیت‌های عینی قرار می‌دهد و تبعیت و اطاعت و الگوپذیری از آنان را برای ما آسان می‌گرداند.

به راستی مگر او امام نیست، مگر امام مأموم نمی‌خواهد، مگر رهبر امت نمی‌خواهد، مگر پیشوا پیرو نمی‌خواهد؛ آری می‌خواهد نخست باید او را بشناسیم و از شخصیت او برای امروز خویش الگو گیریم.

البته دیگر سای امروزه رنگ و لعابی دیگر دارد اما انسان همان انسان است و نیازهای اساسی او همان نیازها و نیروهای درونی او هم همان نیروها؛ و آنان الگو برای همه‌ی عصرها و نسل‌ها؛ پس شناخت برای پیروان و الگو برداری است و غایت شناخت و محبت، تبعیت است.

اما در این بخش پرسشی بگریخته می‌نمایاند و آن این که مگر می‌شود از علی علیه السلام و معصومان پیروی کنیم؟ مگر امکان الگو برداری از آن شخصیت‌های بی‌مانند و آسمانی برای ما وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت: بله چرا نشود در حالی که قرآن شخصیت ابرمرد عالم امکان، پدر و مربی و معلم علی علیه السلام یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله را اسوه معرفت می‌داند. آن جا که می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۲ اسوه یعنی سرمشق و مقتدا. یعنی در افعال و اقوال رسول خدا صلی الله علیه و آله برای شما سرمشق خوبی است.

اگر شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله دست یافتنی و قابل شبیه‌سازی نبود هرگز قرآن او را اسوه معرفی نمی‌کرد. از این بیان قرآن معلوم می‌شود اساساً قرآن و عترت آمده‌اند برای این که ما به صلاح و سعادت برسیم به آنان تمسک کنیم که: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا»^۳ «کسی که به طاغوت کافر شود و به خدا ایمان آورد به دست محکمی محکمی جنگ زده است که گسستن برای آن نیست.» و از آنان پیروی و تبعیت کنیم که: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»^۴ «بگو اگر خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید تا خدا

(۱) اخطب خوارزم المناقب، ص ۲ و نیز فرائد البصائر و کفایه الطالب

(۲) احزاب (۳۳): ۲۱ البته در قرآن کلمه اسوه سه بار آمده است یکی در همین آیه و دو مورد هم در سوره ممتحنه آیه‌ی ۴ و ۶ آن جا که ابراهیم علیه السلام را به عنوان سرمشق و مقتدا معرفی می‌کند.

(۳) بقره (۲): ۲۵۶

(۴) آل عمران (۳): ۳۱

شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد.» و: «أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ»^۱ «این راه مستقیم من است از آن پیروی کنید و از راههای پراکنده پیروی نکنید که شما را از طریق او جدا می‌سازد.»

آری، شخصیت علی علیه السلام در عین این که معصوم است و آسمانی و بی نظیر، اما قابل اقتداء کردن و پیروی نمودن است و به حق که باید هر يك از ما علی باشیم و علی شویم البته علی در ابعاد و ظرفیت خودمان یعنی تمام آنچه را که او داشت باید دارا شویم اما در اندازه‌ی ظرف وجودیمان؛ باید نمونه کوچک شد، علی علیه السلام شویم.

هدف خداوند از خلقت انسان و قرار دادن این شخصیت‌های بزرگ در میان او نمایش نمونه‌های عملی و الگوهای رفتاری برای قاطبه‌ی انسان‌ها بوده است و جز با شناخت و پیروی از آنان نمی‌توان به ایشان تمسك کرد و از آنان تبعید نمود و همچون آنان شد.

جا دارد از خود پرسیم تا به حال چه شهادتی به علی علیه السلام پیدا کرده‌ایم؟ چه چیز ما شبیه اوست؟ عبادت ما، ایمانمان به خدا، مبارزه‌ی درونی عبودیت غیرخدا و شکستن بت‌ها و بتکده‌ها، اخلاق فردی و اجتماعی، جهاد با دشمنان خدا، انفاق، ایثار هستی برای خدا، اطاعت محض و بی‌چون و چرا از مقام ولایت و نبوت؟ در چه چیزی به او می‌مانیم؟

شیر را بچه همی ماند بدو / تر به سیغمبر چه می‌مانی؟ بگو

چند حدیث

امام صادق علیه السلام در حدیثی خطاب به مُفَضَّل بن عَمْرٍو ضمن دسته بندی میان، از گروهی نام می‌برد که دوستان واقعی اند اوصاف آنان را این گونه بیان می‌فرماید: «... مَرْفَعَةُ أَحْبُونَا وَ حَقِّقُوا قَوْلَنَا وَ اطَّاعُوا أَمْرَنَا وَ لَمْ يُخَالِفُوا فِعْلَنَا، فَأُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ»^۲ «گروهی که ما را دوست دارند گفتارمان را بشنوند و فرمان ما را پیروی کنند و با کار ما مخالفت نکنند. آنان از مایند و ما از آنانیم.»

قال علی علیه السلام: «مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَلْيَتَجَلَّبِ الْوَرَعَ»^۳ «هر که ما را دوست بدارد، باید شبیه ما عمل کند و پرهیزکاری را همچون جامه و پوشش خود قرار دهد.»

(۱) انعام (۶)، ۱۵۳

(۲) تحف العقول، ص ۶۲۲

(۳) عشق برتر، جواد محدثی به نقل از تنبیه الخواطر، ورام، ج ۲، ص ۱۷۶

قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ شِيعْنَا وَتَبِعْنَا فِي أَعْمَالِنَا»^۱ «یقیناً پیروان ما کسانی اند که در کارهایمان از ما متابعت و پیروی می کنند.»

البته احادیث در این باب فراوان است تا جایی که بزرگانی همچون شیخ صدوق (ره) مجموعه‌ای به نام «صفات الشیعه» نگاشته‌اند. که در پایان این مطلب به ذکر چند عبارت می پردازیم.

امام صادق علیه السلام فرمودند: شِيعَتُنَا أَهْلُ الْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ، وَأَهْلُ الْوَفَاءِ وَالْأَمَانَةِ وَأَهْلُ الزُّهْدِ وَالْعِبَادَةِ أَصْحَابُ إِحْدَى وَخَمْسِينَ رَكْعَةً فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ الصَّائِمُونَ بِالنَّهَارِ يُزَكُّونَ أَمْوَالَهُمْ وَيَحْجُونَ الْبَيْتَ وَيَجْتَنِبُونَ كَيْسَ الْحَرِّ.^۲

پیروان ما اهل تقوا و کوشش‌اند و اهل وفاء و امانت‌داری و زاهدند و اهل عبادت و شبانه روز ۵۱ رکعت نماز می‌خوانند و روز را روزه دارند و زکات اموالشان را می‌دهند به حج خانه خدا می‌روند و از هر حرامی دوری می‌کنند.

شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ اخْوَانَتَهُ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَكَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ^۳ پیروان علی علیه السلام کسانی هستند که دیگران را بر خویش ترجیح می‌دهند با این که خود نیازمندترند.

شِيعَتُنَا هُمُ الْعَارِفُونَ بِاللَّهِ الْعَامِلُونَ بِأَمْرِهِ أَتَمُّ الْقَضَائِلِ التَّاطِقُونَ بِالصَّوَابِ مَأْكُلُهُمُ الْقُوْتُ وَ مَلْبَسُهُمُ الْاِقْتِصَادُ وَ مَشِيَّهُمُ التَّوَاضُّعُ پیروان شیعه را این با خدا و فرمانبرداران از او و اهل فضایل اند و سخنشان صواب و غذایشان به اندازه معاش و نذران است و لباسشان میانه و شیوه‌ی آنان فروتنی.

شبهه پدر باشید

أَصْبَغَ بَنُ ثُبَّاتَه عَبْدِي می‌گوید: زمانی که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب به دست ابن ملجم ضربت خورد، من و حارث و سوید بن غفله و گروهی دیگر برادر خانه امامان شریفیم و چون از درون خانه حضرت صدای گریه‌ی شنیدیم، ما نیز گریان شدیم. حضرت حسن بن علی از خانه بیرون آمد و فرمود: امیرالمؤمنین به شما می‌فرماید: برخیزید و به خانه‌های خود بروید. همه رفتند، جز من؛ و چون صدای گریه‌ی اهل خانه‌ی آن حضرت بلندتر شد، من نیز گریه کردم. بار دیگر حضرت حسن

(۱) میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۳۲

(۲) وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۵۸

(۳) میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۳۱

(۴) بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۷۵؛ ص ۲۹

بیرون آمد و فرمود: مگر نگفتم بروید؟ من گفتم: به خدا قسم ای پسر پیغمبر، نمی توانم بروم. پاهایم برای رفتن حرکت نمی کند، مگر این که امیرالمؤمنین را ببینم. حضرت حسن به من فرمود: اندکی تحمل کن. پس خود داخل خانه شد؛ و بعد از چند لحظه بیرون آمد؛ و به من فرمود: داخل شو. پس من نزد امیرالمؤمنین رفتم؛ به سر ضرب دیده ای آن حضرت عمامه ی زردی پیچیده بودند و از زخم آن حضرت خون جاری بود و چهره ی آن بزرگوار نیز بر اثر ضعف و تأثیر زهر شمشیر، زرد شده بود، به طوری که نفه بدم چهره ی ایشان زردتر است یا عمامه ی او. خود را بر روی آن حضرت انداختم و ایشان را بیدار کردم. و گریه کردم. پس آن حضرت به من فرمود: «لَا تَبْكُ يَا أَصْبَغُ» گریه نکن ای اصبغ. «فَإِنَّهَا وَاللَّهِ الْجَنَّةُ» به خدا قسم که من در بهشتم. پس من گفتم: فدایت شوم، این را می دانم. به خدا قسم شما به بهشت می رسید؛ «وَ إِنَّمَا أَبْكِي لِفَقْدَانِي إِيَّاكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ...» من برای این که شما را از دست می دهم گریه می کنم. فدایت شوم، حدیثی از پیامبر برایم نقل کنید. گویا می بینم که دیگر از شما حدیثی نخواهم شنید. علی علیه السلام فرمود: بله، ای اصبغ. روزی رسول خدا مرا به سوی خود خواند و فرمود: ای علی، به مسجد برو و از ما بر من تلاوت و مردم را به سوی خود بخوان. پس خدا را حمد و ثنا کن و بر من بسیار درود و تحیت بفرست. آن گاه بگو:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ وَ هُوَ يَقُولُ لَكُمْ لَا إِنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ وَ لَعْنَةَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَ لَعْنَتِي عَلَى مَنْ أَنْتَهَى إِلَى غَيْرِ آبِيهِ أَوْ ادَّعَى إِلَى غَيْرِ مَوَالِيهِ أَوْ ظَلَمَ أَجِيرًا أَجْرَهُ».

ای مردم، من فرستاده ی رسول خدا به سوی شما ایم ارباب شهید می گوید: لعنت خدا و فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل او و لعنت من بر کسی که به کسی غیر از پدرش منت بدهد و به کسانی غیر از دوستانش مرتبط باشد و مزد اجیر را ندهد. پس من به مسجد رفتم و همان گریه که پیامبر خواسته بود عمل کردم. آن گاه کسی از بین مردم برخاست و گفت این را توضیح بدهید: منظور از پدر چیست و کیست؟ علی علیه السلام می فرماید: من خواسته ی او را به پیامبر رساندم. حضرت فرمود: به مسجد برگرد. به آنان بگو: «أَيُّهَا النَّاسُ مَا كُنَّا لَنُجِئَكُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا وَ عِنْدَنَا تَأْوِيلُهُ وَ تَفْسِيرُهُ إِلَّا وَ إِنِّي أَنَا أَبُوكُمْ إِلَّا وَ إِنِّي أَنَا مَوْلَاكُمْ إِلَّا وَ إِنِّي أَنَا أَجِيرُكُمْ» ای مردم، ما چیزی را برای شما نمی آوریم، مگر این که تأویل و تفسیر آن نیز نزد ما باشد. آگاه باشید و بدانید که من پدر شما هستم. آگاه باشید و بدانید که من دوست شما هستم. آگاه باشید و بدانید که من اجیر شما هستم^۱ (اشاره به آیه شریفه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا

المَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى (۱)

مطلب دوم: علی علیه السلام یا پیامبر ﷺ

بسیار این سؤال مطرح می شود که رسول الله ﷺ برتر است یا علی علیه السلام؟ آدم های کوچک وقتی فضایل علی علیه السلام را می شنوند و می خوانند گمان می کنند او از پیامبر اکرم ﷺ برتر است! در بررسی این طرز فکر باید گفت:

اولاً، این سؤال سؤالی غیرمنطقی است و اساساً مقام، مقام مقایسه نیست و هیچ فایده عملی بر آن مترتب نیست؛

ثانیاً، در جایی که ام المؤمنین علی علیه السلام خود را تربیت شده رسول الله ﷺ معرفی می کند و حتی می فرماید: «أَنَا عَبْدٌ مِنْ عَبْدِ مُحَمَّدٍ» «من بنده ای از بندگان محمدم»، و مطیع محض اوامر او است، آیا دیگر جایی برای طرح این سؤال می ماند؟

ثالثاً، بیش تر آنچه از فضایل امیران مؤمنان علی علیه السلام برای ما نقل شده از زبان پیامبر ﷺ و به دلیل انتساب و قرب به پیامبر صاحب این امت است؛ یعنی علی علیه السلام صاحب حدیث منزلت است، چون برادر و وصی و خلیفه پیامبر ﷺ است؛ علی ولی خداست، چون در غدیر، پیامبر ﷺ به امر خداوند او را معرفی می کند؛ و بالاخره آیه ی مباهنه و آیه ی قیامت و آیه ی ولایت و آیه ی هل اتی و ... و احادیث یوم الدار، مؤاخاة، طیر، رد شمس و بسیاری از فضایل آن بزرگوار، بلکه همه ی آن ها، از اتصال به رسول الله ﷺ است. حال چطور می شود چنین پنداشت که علی علیه السلام از پیامبر ﷺ برتر است؟

رابعاً، روایات متعددی از پیامبر ﷺ رسیده مبنی بر این که من و علی از یک درخت و ریشه آفریده شده ایم؛ معنی آن این است که خلقت نوری و اولیه ی آنان واحد بوده است. از علی علیه السلام روایت شده که از پیامبر شنیدم که فرمود: «خُلِقَ النَّاسُ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى وَخُلِقْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ فَأَنَا أَصْلُهَا وَعَلِيٌّ فَرْعُهَا فَطَوْبِي لِمَنْ اسْتَمْسَكَ بِأَصْلِهَا وَآكَلَ مِنْ فَرْعِهَا» (۲)

«مردم از درخت های مختلف خلق شده اند؛ و من و علی از یک درختیم. من ریشه ی آنم و علی

(۱) شوری (۴۲): ۲۳.

(۲) شیخ صدوق، توحید، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۳، ص ۱۷۴.

(۳) تاریخ دمشق ابن عساکر، ج ۱، ص ۱۳۲.

شاخه‌ی آن. خوشا به حال کسی که به ریشه‌ی آن دست آویزد و از شاخه‌های آن بخورد.»

«شیخ عطار» در این باره گفته:

که تا گردد به تو اسرار آسان

تو نور احمد و حیدریکی دان

و «حکیم سنایی» نیز گفته:

هر دو پیرایه شرف بودند

هر دو یک دُر ز یک صدف بودند

اما در نشئه‌ی دنیا و عالم مادی فضیلت و برتری مطلق با رسول الله ﷺ است که خود فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ أَنْبِيَائَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْفَضْلُ بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ رُبُّنَا نَمَّةٌ مِنْ بَعْدِكَ»

«خداوند پیامبران مرسَل را بر ملائکه‌ی مقرَّبین برتری داد و مرا بر جمیع پیامبران و فرستادگان خویش برتری داد و بعد از این برتری برای تو است ای علی و برای امامان بعد از تو».

البته همه‌ی ائمه از نظر عصمت و تکامل معنوی و غرایز فاضله‌ی نفسانی مساوی و در یک سطح بوده‌اند و فقط در نشئه طبیعت و سیه عملی این عالم هر یک در یک یا چند صفت بر حسب اقتضای زمان و مکان، نیروی درونی خود را بیشتر ظاهر می‌کنند و روشن‌تر بروز داده‌اند.